

۱- صبح روزِ قیام است، مژده‌ای در کمین است
ستاره‌ها محو شوند، جایی به خورشید دهند (۲)

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید

کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)

۲- پطرس واردِ قبر شد، شک و ترس برطرف شد
ایمان آورد به قیام، مسیح است منجیمان (۲)

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید

کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)

۳- رمزِ خوشبختی ما، کلیدِ شادی ما
بنیادِ نجاتِ ما، خداوندمان عیسا است (۲)

زنگها فریاد کنید، نجاتش بخوانید

کلیسا شاد باش امروز، پیروزی از آن اوست (۲)

صبح روز یکشنبه، آنطور که عیسی گفت
لعنت مرگ و قبر شکست، او از مردگان برخاست
حال آغازی نو آورده، سلطنتی بی پایان

هلویاه، هلویاه،

هلویاه، عیسی زنده است

مرگ قدرتش را باخته، و او غالب شده است، عیسی ابدی است،

او زنده است، او زنده است

او که الف و هم یا است، اوّل و آخر
لعنت گناه برداشت، آزادی جایش گذاشت، برّه خدا برخاسته،

او زنده است، او زنده است

او مؤلف و مکمل ایمان ماست،
او که طرد شده، منجی و حیات ماست
مرگ قدرتش را باخته، موت دیگر چیره نیست
هلویاه، هلویاه،

آرامی بخش عظیم خدای قدیر، پدر جاودانی،

سرور سلامتی، اوست کلام ابدی

او زنده است، او زنده است

هلویاه، عیسی زنده است

مرگ قدرتش را باخته، و او غالب شده است، عیسی ابدی است،

او زنده است، او زنده است (۴)

۱- صبحگاهان حمدت را سرایم

نام قدوست را مجد خوانم

تو سزاوار اکرام و لایق اطاعتی

هر روز جانم را تازه سازی

چون نورت بر من تابی

چون دستان افرازم نزدت عیسی، ظلمت بیرون گردد نورت آید

با دل و جان بهرت سرود خوانم، ای شاه شاهان و خداوندم

۲- بشنو آوازم ای ناجی ام در حضورت سر فرود آرم

بگذار در نور حضورت هر دم نزد تو مانم

تا در سایهات پناه یابم و ترسهایت دور شود

چون دستان افرازم نزدت عیسی، ظلمت بیرون گردد نورت آید

با دل و جان بهرت سرود خوانم، ای شاه شاهان و خداوندم

۳- چون آوای رعد بگوش رسد

کوه ها جلالش ظاهر کند

گویند خلقت هر چیز از دستان پر مهر توست

آوازی تازه برخیزد تا روح خسته جان گیرد

چون دستان افرازم نزدت عیسی، ظلمت بیرون گردد نورت آید

با دل و جان بهرت سرود خوانم، ای شاه شاهان و خداوندم

صدایت آیتِ جاری، طنینِ روحِ بیداری
دمِ مستی و هشیاری، مرا از خود رهایم کن
بخوان نامم به آوازت، به شور و جذبهٔ رازت
به آن بانگِ جهان سازت، از این دنیا جدایم کن

صدایم کن، صدایم کن، به آوازِ سحر گاهان
به اعجازِ حضورِ نور، که می‌تابد به روح و جان

صدایم کن، صدایم کن

اگر لب بسته و خاموش، اگر گنگم، اگر مدهوش
مرا از نو بنایم کن، مسیحایم، صدایم کن
به فرمانِ کلامِ تو، ز قبرِ کهنه برخیزم
به هستی در هم آمیزم، شهنشاهم صدایم کن

صدایم کن، صدایم کن، به آوازِ سحر گاهان
به اعجازِ حضورِ نور، که می‌تابد به روح و جان

صدایم کن، صدایم کن

صدایم کن، بخوان نامم صدایم کن

صلیب من، مرا از من رها کن
مرا با روح انجیل آشنا کن

نگاهم لانه مرغ محبت
دلم را منزل روح خدا کن

۱- طلا و نقره ندارم، اما آنچه دارم می‌دهم؛
به نام عیسی مسیح ناصری، بر خیز و بخرام.

۲- او برجست و خرامید و شکر می‌کرد؛ (۲)
به نام عیسی مسیح ناصری، بر خیز و بخرام.

سرودها: ص - Songs: Sad

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
			صبح روز قیام است	.۱
ژیلبرت			صبح روز یکشنبه	.۲
			صبحگاهان حمدت را سرایم	.۳
ژیلبرت			صدایت آیت جاری، طنین روح بیداری	.۴
		م	صلیب من، مرا از من رها کن	.۵
			طلا و نقره ندارم، اما آنچه دارم می‌دهم	.۶